



The Customary Implied Condition of Safety Obligation in Medical Contracts

Shahab Jamshidi Moghaddam¹, Seyed Mostafa Mohaghegh Damad^{1*}

1. Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The safety commitment of the physician and the hospital against the patient has been accepted in such a way that various laws, regulations and instructions have been set in the first field, but the source of safety commitment in this type of contract are not limited to the rules of the subject and custom and customary rules independent of other factors and as one of the first sources of contract law will cause the formation of safety obligation in the contracts concluded between the doctor and patient in such a way that the violation of this obligation causes civil liability.

Method: This article has been written descriptively-analytically using library resources.

Ethical Considerations: This research has been done by observing ethical principles and trustworthiness in using the available sources.

Results: The court hearing the violation of the doctor's safety obligation against patient issues verdicts to compensate the patient with amounts based on customary rules in the light of some articles of civil code, such as articles 220 and 365.

Conclusion: One of the accepted obligations in the contracted relationship is the safety obligation with the proviso that in the execution of the contract, it must be done in a way that does not harm the life or property of the contracting party, otherwise the breach of the contract will occur and civil liability will arise. Creating a safety obligation in medical contracts sources such as law, contract provisions and custom are introduced. Among these, custom is very important because in medical contracts, the parties generally don't pay attention to the safety obligation and don't provide a solution custom as the only source while creating a safety obligation in this type of contract, will require the physician and hospital to violate the obligation to compensate the patient. Such an article 356 and 220 in civil law that will be explained during the discussion.

Keywords: Condition; Custom; Safety Obligation; Contract; Medical

Corresponding Author: Seyed Mostafa Mohaghegh Damad; **Email:** M-mohaghegh@sbu.ac.ir

Received: July 19, 2021; **Accepted:** February 08, 2022; **Published Online:** July 06, 2022

Please cite this article as:

Jamshidi Moghaddam Sh, Mohaghegh Damad SM. The Customary Implied Condition of Safety Obligation in Medical Contracts. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e2.



شرط ضمنی عرفی تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی

شهاب جمشیدی مقدم^۱ ID، سید مصطفی محقق داماد^{۱*} ID

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تعهد ایمنی پزشک و بیمارستان در مقابل بیمار امری پذیرفته شده است. به گونه‌ای که قوانین و آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی در این زمینه وضع گردیده، لیکن منابع تعهد ایمنی در این نوع قراردادها محصور در قواعد موضوعه نیست و عرف و قواعد عرفی مستقل از سایر عوامل و به عنوان یکی از منابع طراز اول حقوق قراردادها سبب شکل‌گیری تعهد ایمنی در قراردادهای منعقد شده میان پزشک و بیمار خواهد شد، به گونه‌ای که نقض این تعهد را، سبب ایجاد مسولیت مدنی می‌داند. در این نوشتار برآنیم که توضیح دهیم قواعد عرفی چگونه به شکل‌گیری تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی می‌انجامد و مبانی حقوقی آن کدامند.

روش: این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است.

ملاحظات اخلاقی: این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی و امانتداری انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: دادگاه رسیدگی‌کننده به نقض تعهد ایمنی پزشک در مقابل بیمار می‌تواند با استناد به قواعد عرفی، در پرتو برخی مواد قانون مدنی نظیر مواد ۲۲۰ و ۳۵۶ رأی به جبران خسارت وارده به بیمار را صادر نماید.

نتیجه‌گیری: یکی از تعهدات پذیرفته شده در روابط قراردادی تعهد ایمنی است. با این وصف که در اجرای قرارداد باید به گونه‌ای رفتار شود، که به جان یا مال طرف قرارداد آسیبی نرسد در غیر این صورت نقض عهد صورت گرفته و مسولیت مدنی به بار خواهد آمد. برای ایجاد تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی منابعی نظیر قانون، مفاد قرارداد و عرف معرفی گردیده. در این میان عرف از اهمیت بسزایی برخوردار است به این دلیل که عموماً در قراردادهای پزشکی طرفین توجهی به تعهد ایمنی ندارند و ذکری از آن بعمل نمی‌آورند. در این حالت و در مواردی که قوانین موضوعه راهکاری ارائه نکرده باشند، عرف به عنوان تنها منبع، ضمن ایجاد تعهد ایمنی در این نوع قراردادها، پزشک و بیمارستان نقض‌کننده تعهد ایمنی را ملزم به جبران خسارت زیان‌دیده خواهد کرد. این تأثیرگذاری عرف، مستند به مبانی مستنبط از قوانین موضوعه، نظیر مواد ۲۲۰ و ۳۵۶ قانون مدنی است که در خلال بحث تشریح خواهد شد.

واژگان کلیدی: شرط؛ عرف؛ تعهد ایمنی؛ قرارداد؛ پزشکی

نویسنده مسئول: سید مصطفی محقق داماد؛ پست الکترونیک: M-mohaghegh@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Jamshidi Moghaddam Sh, Mohaghegh Damad SM. The Customary Implied Condition of Safety Obligation in Medical Contracts. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e2.

مقدمه

عرف همواره یکی از منابع مهم حقوق قراردادهای پزشکی می‌رود. با گذشت زمان و توسعه همه‌جانبه جوامع و پیچیدگی روابط اجتماعی و ظهور پدیده‌های بنام قانون و قانونگذاری، از اهمیت عرف کاسته شده و عرف دیگر آن یکه‌تازی گذشته را ندارد. اما قانون نیز توان پاسخگویی به همه جزئیات و زوایای زندگی اجتماعی مردم را ندارد. لذا بسیاری از عرصه‌ها همچنان در اختیار عرف باقی مانده و عرف این نقش را هم امروز و هم در آینده، به شکل گسترده‌ای ایفاء خواهد نمود. گاه به عنوان ابزاری برای زدودن ابهام از قراردادهای پزشکی و کمک به تفسیر آنها و گاه به عنوان وسیله‌ای در جهت تکمیل نواقص قرارداد.

یکی از تعهدات موجود در قراردادهای پزشکی، بر مبنای شرط ضمنی عرفی، از نوع همگانی، تعهد ایمنی است، بر اساس این تعهد، طرفین قرارداد پزشکی، اعم از پزشک و بیمارستان، باید به گونه‌ای رفتار نمایند، که درد و آسیب جدیدی به بیمار نرسد. در غیر این صورت ملزم به جبران خسارت نقض عهد خواهند بود. استنباط این تعهد از قواعد عرفی مبتنی بر ارجاع قانونگذار به عرف است، خصوصاً در زمینه آثار قراردادهای پزشکی. مانند ماده ۲۲۰ ق.م.آ. که مقرر می‌دارد «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون، از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند» مواد دیگری از قانون مدنی نظیر ماده ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۸۰، ۳۴۴، ۳۷۵، ۳۸۲، ۳۸۶ و ۳۵۶ هریک بیانگر اعتبار عرف در روابط قراردادی است. در این نوشتار ابتدا به ذکر کلیاتی در خصوص عرف و شروط ضمن عقد می‌پردازیم، سپس مفهوم تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی و مبنای عرفی شکل‌گیری این تعهد را تشریح خواهیم کرد.

روش

این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است.

یافته‌ها

قانونگذار در مواد ۲۲۰ و ۳۵۶ و ۲۲۵ قانون مدنی و مواد دیگری از این قانون عرف را به مانند مفاد قرارداد از عوامل ایجاد تعهد، من جمله تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی دانسته. این نقش عرف گاه به دلالت التزامی از متن قرارداد استنباط می‌شود و گاه به استناد مقتضی اطلاق عقد، می‌توان به وجود تعهد ایمنی در این دست قراردادهای دست یافت.

بحث

۱. معنی، مفهوم و تعریف عرف

عرف در اصل واژه‌ای است عربی که با واژه‌هایی نظیر «متعارف»، «عرفان»، «معرفت» و «معروف» هم‌ریشه و معنایی نزدیک به آنها دارد. این واژه ضد «نکر» و به معنی معروف است که خود دارای دو معنای «شناخته‌شده» و «امر پسندیده و نیکو» می‌باشد (۱) عرف در لغت به معنی معرفت و شناسایی نیز آمده است. بر این اساس چیزی که در ذهن شناخته شده و عقل سلیم آن را پذیرفته و مقبول خردمندان افتاده عرف نامیده می‌شود. آنگونه که در آیه شریفه «خذ العفو و امر بالعرف» بیان گردیده (۲) «بخشش»، «شناختگی» «نیکویی» و «آنچه میان مردم معمول و متداول است» از دیگر معانی است که در لغت برای عرف ارائه گردیده (۳) در حقوق انگلیس برای واژه (custom) به معنای عرف از نظر لغوی معنایی نظیر «سنت»، «عملکرد»، «عادت»، «روش»، «تشریفات»، «مد»، «رویه»، «قاعده نانوشته»، «روش انجام» و... ارائه گردیده. که به عنوان یکی از منابع حقوق قراردادهای پزشکی مورد استناد محاکم در حل و فصل اختلافات قرار می‌گیرد. هرچند در کنار آن واژه دیگری به نام «usage» قرار می‌گیرد و این شبهه را در ذهن ایجاد می‌کند، که این دو معادل هم و دارای بار معنایی یکسانی هستند. لیکن در حقیقت بین این دو تفاوت‌های معنایی و مفهومی آشکاری وجود دارد به گونه‌ای که اولی در جایگاه قانون و قاعده قرار گرفته و دومی صرفاً گویای تکرار در امری است (۴، ۵).

۱-۱. تعریف عرف در علم حقوق

تعریفی که حقوقدانان از عرف ارائه داده‌اند از معنای لغوی آن دور نمانده، به گونه‌ای که برخی از ایشان عرف را «عمل و روش یا سلسله اعمال و روش‌هایی دانسته‌اند که بتدریج و در طول زمان بر اثر تکرار، خود به خود و بدون دخالت قوه قانونگذاری، در اثر حوائج اجتماعی، میان همه افراد جامعه یا گروهی از آنها، به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور در تنظیم روابط حقوقی مقبول و مرسوم شده است» (۱) عده‌ای دیگر عرف را در مقابل حقوق مدون نهاده و تدوین حقوق را وسیله تمیز قانون از عرف دانسته‌اند (۶).

برخی دیگر عرف را: «قاعده‌ای که به تدریج و خودبه‌خود میان همه مردم یا گروهی از آنان به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور مرسوم شده است» توصیف نموده‌اند (۷) در تعریف دیگر عرف را: «انس ذهنی جامعه یا گروهی خاص به امری که مربوط به روابط حقوقی است، دانسته‌اند (۸). از میان تعاریف ارائه شده تعریف اخیر به لحاظ اختصار و در عین حال جامع بودن آن، مطلوب‌تر به نظر می‌رسد. چراکه از یک‌سو انس ذهنی جامعه یا گروه خاص، دربردارنده وصف تدریجی و مستمر بودن عرف است. از سوی دیگر ربط دادن این موضوع به روابط حقوقی، بیانگر وصف الزام‌آور بودن عرف است، چراکه الزام‌آور بودن خصوصیت بارز روابط حقوقی و قواعد حاکم بر آن است.

۲. مفهوم و انواع شرط

معنا و مفهوم شرط از جهات و معانی متعددی می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این نوشتار به لحاظ رعایت اختصار، صرفاً به بیان مفهوم حقوقی شرط و انواع آن من جمله شرط ضمنی می‌پردازیم.

۲-۱. مفهوم شرط

در اصطلاح حقوقی شرط گاهی بیانگر این مفهوم است که وقوع یا تأثیر عمل یا واقع حقوقی به آن بستگی دارد (۹). به مانند آنچه که در ماده ۱۹۰ ق.م در بیان شرایط صحت قرارداد گفته شده. بر این اساس، قصد و رضای متعاقدين شرط تحقق و صحت فی‌المثل عقد بیع است، بدون آنکه وجود آن لزوماً و ضرورتاً موجب پیدایش عقد بیع باشد. گاهی نیز شرط به

تعهدی گفته می‌شود که در ضمن عقد دیگری قرار می‌گیرد. شرط در این معنی تعهد فرعی یا التزامی است که در ضمن عقد دیگری جای می‌گیرد و در شمار توابع آن عقد قرار می‌گیرد (۱۰).

همین معنای دوم شرط موردنظر و بحث ما خواهد بود. که برحسب طبیعت خود التزامی است مستقل بدون آنکه وابستگی ذاتی به عقد اصلی داشته باشد، لیکن اعمال عقد اصلی مستلزم اجرای تعهد فرعی در قالب شرط ضمن عقد خواهد بود. بر این اساس رابطه عقد و شرط همانند رابطه اصل و فرع یا تابع و متبوع می‌باشد.

۲-۲. انواع شرط

در یک تقسیم‌بندی شرط به اعتبار چگونگی بیان اراده، به شرط صریح و شرط ضمنی تقسیم می‌گردد.

۲-۲-۱. شرط صریح

شرط صریح تعهدی تبعی است که در متن عقد صراحتاً بیان می‌گردد که، گاهی این بیان به تفصیل صورت می‌پذیرد، مانند آنکه بایع خطاب به شخصی می‌گوید: «این زمین را به تو فروختم به شرط آنکه وکیل من در فلان دعوی باشی» و گاهی به اجمال ذکر می‌شود. مانند آنکه قبلاً در مورد شرط گفت‌وگو شده و هنگام عقد فقط بدان اشاره می‌شود. چنانکه بایع می‌گوید: «زمین را فروختم به همان شرطی که پیش‌تر توافق کردیم». در هر دو صورت به شرط پرداخته شده و در قرارداد تصریح گردیده (۱۱).

در واقع مقصود از تصریح شرط در قرارداد آن است که جمله شرط به دلالت مطابقی بر مفاد شرط دلالت کند نه به دلالت تضمینی یا التزامی، آنگونه که در مورد شرط ضمنی عرفی است.

۲-۲-۲. شرط ضمنی

در بیان شرط ضمنی می‌توان آن را تعهدی را دانست که در متن عقد ذکر نمی‌شود، اعم از آنکه پیش از عقد ذکر شود و عقد با لحاظ آن تشکیل گردد، یا اینکه هرگز ذکر نشود و از دلالت الفاظ مندرج در متن عقد یا اوضاع و احوال و سیره عرفی وجود آن استنباط گردد.

قرارداد باشد یا عرف به صنف خاص و تجارت معینی ربط داشته باشد. در بیان مفهوم شرط ضمنی عرفی می‌توان گفت گاه امری چنان متعارف و متداول است که از لوازم عرفی عقد به شمار می‌رود، به گونه‌ای که عرف، التزام به آن را بر طرفین قرارداد تحمیل می‌کند. مگر آنکه خلاف امر عرفی توافق شده باشد. در این حالت گاه طرفین در هنگام انعقاد قرارداد توجه تفضیلی به شرط عرفی دارند و گاه از اصل وجود آن بی‌خبرند. در این وضعیت نیز این‌گونه شروط از لوازم عرفی عقد محسوب می‌شوند و نیازی به توافق طرفین ندارند. مواردی همچون نقد بودن ثمن معامله، لزوم پرداخت فوری ثمن، و تحویل مبیع سالم و بدون عیب و پرداخت ثمن به وجه رایج کشور همگی از شروط ضمنی از نوع عرفی به شمار می‌روند که درخصوص آنها نه پیش از عقد و نه ضمن عقد توافقی صورت نپذیرفته، بلکه عرف و عادت، وجود ضمنی توافقاتی را مسلم می‌دارد و آن را بر طرفین قرارداد تحمیل می‌کند. مگر آنکه اراده طرفین قرارداد به گونه دیگری رقم بخورد (۱۲). در هر یک از مثال‌های بیان‌شده مفاد شرط چنان در روابط قراردادی تکرار می‌شود و شیوع پیدا می‌کند که می‌توان آن را از لوازم قرارداد دانست. قانون مدنی در ماده ۲۲۰ مقرر می‌دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند».

ماده ۲۲۵ نیز اعلام می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت بطوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد بمنزله ذکر در عقد است».

ماده ۳۵۶ قانون مذکور به نوعی بیانگر نوعی شرط عرفی است که در قالب توابع مورد معامله بر طرفین قرارداد تحمل می‌گردد و آنها را ملزم بدان می‌دارد.

۳. مفهوم، قلمرو، ماهیت و منابع تعهد ایمنی

در این بخش ابتدا مفهوم تعهد ایمنی را به طور عام، صرف نظر از وجود یا عدم وجود رابطه قراردادی بیان می‌نمائیم. سپس به ذکر مبانی کلی و عمومی تعهد ایمنی می‌پردازیم. از

۱-۲-۲-۲. شرط ضمنی که لازمه منطوق قرارداد است
گاه الفاظ و عبارات بکار رفته در متن قرارداد (دلالت مطابقی) به گونه‌ای است که قرارداد مطلق و عاری از شرط به نظر می‌آید. اما همین الفاظ و عبارات، به دلالت التزامی مبتنی بر لوازم عرفی و عقلی، بیانگر وجود شرطی ضمنی است، که حیات خود را از منطوق قرارداد وام می‌گیرد و به مانند مفاد صریح قرارداد ایجاد تعهد می‌نماید. مانند اینکه در مبیعه‌نامه عادی تنظیمی بین فروشنده و خریدار برای فروش ملکی که دارای سند رسمی و سابقه ثبتی است به دلیل فراهم نشدن مقدمات تنظیم سند رسمی، در متن قرارداد شرط می‌شود که فروشنده به خریدار وکالت بدهد، که او بتواند پس از رفع موانع، ملک را به نیابت از فروشنده در حق خود انتقال رسمی بدهد. از آنجا که طبق ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک، نقل و انتقال این‌گونه املاک باید به موجب سند رسمی باشد. به دلالت التزامی درمی‌یابیم که وکالت وکیل نیز باید در قالب سند رسمی باشد. چرا که تنظیم وکالتنامه رسمی، از لوازم قانونی اقدام وکیل است. هر چند در مبیعه‌نامه، نوع وکالت از نظر عادی و رسمی بودن مشخص نشده باشد.

۲-۲-۲-۲. شرط ضمنی بنایی

همانگونه که گفته شد شرط ضمنی تعهدی است تبعی و فرعی که در متن عقد به آن پرداخته نمی‌شود، خواه قبل از عقد ذکری از آن برده شود و خواه نشود. بر این اساس شرط بنایی اگرچه غالباً پیش از عقد مورد توجه قرار می‌گیرد اما از آن جهت که در متن عقد مسکوت می‌ماند یک شرط ضمنی به حساب می‌آید تا صریح. مانند اینکه در مذاکرات بعمل آمده توسط طرفین عقد نکاح و قبل از انعقاد عقد، بنای طرفین بر آن بوده که اختیار محل سکونت با زوجه باشد.

۳-۲-۲-۲. شرط ضمنی عرفی

با پذیرش شرط ضمنی عرفی به عنوان یکی از اقسام شرط موجد تعهد در روابط قراردادی، در مرحله بعد آنچه مهم جلوه می‌نماید اعتباربخشیدن به شرط و معرفی مبانی آن است. اما قدر مسلم آن است که شرط ضمنی عرفی به دلالت عرف وارد قلمرو قرارداد گردیده، اعم از آنکه عرف مرتبط با محل انعقاد

کلینیک، بیمار موردنظر به ویروس هپاتیت B مبتلا شود، در این حالت تعهد ایمنی نقض شده و پزشک و کلینیک جراحی در مقابل بیمار مسئول نقض تعهداند. یعنی در حقیقت هرگاه بیمار برای درمان درد موجود به پزشک مراجعه می‌نماید اگر به دلائلی که خارج از اختیار و کنترل پزشک است بهبودی حاصل نشود لاقلاً درد و رنج جدیدی گریبانگیر او نشود (۱۳) یا هرگاه متعهده علاوه بر انجام تعهد اصلی خود، تأمین متعلق موضوع تعهد را هم متعهد باشد، این تعهد اخیر را تعهد تأمین می‌نامند (۱۴).

به طور کلی می‌توان تعهد ایمنی را عبارت از: «تعهد قراردادی، عرفی یا قانونی یک طرف عقد در مقابل طرف دیگر، به اینکه در انجام موضوع قرارداد یا استفاده متعارف یا موردنظر از کالای مورد معامله، هیچ‌گونه آسیبی به جان یا مال وی یا شخص ثالث وارد نخواهد شد (۱۵).

۱-۱-۳. اجتماع تعهد درمان و تعهد ایمنی در قراردادهای

پزشکی

همانگونه که گفته شد، در قراردادهای پزشکی، در کنار تعهد اصلی پزشک که اقدام به درمان بیمار است، تعهد ایمنی وجود دارد که مبنای آن می‌تواند، قواعد عرفی باشد. فروض مختلفی از نظر رعایت و نقض هر یک از این دو تعهد می‌توان تصور کرد که هر یک تابع قواعد خاص خود است: الف) تعهد اصلی پزشک برای درمان بیمار انجام شده و تعهد ایمنی نیز به درستی رعایت گردیده. این وضعیت در اغلب قراردادهای پزشکی حاکم است. مانند اینکه بیماری جهت مداوای بینی خود که برای او مشکلات تنفسی ایجاد کرده، طی قراردادی، آن را به تیغ جراح می‌سپارد. نتیجه عمل رضایت‌بخش بوده و تعهد ایمنی نیز به گونه‌ای رعایت گردیده که هیچ‌گونه آسیب و رنجی به بیمار تحمیل نگردیده. در این حالت هیچ‌گونه مسؤلیتی بر عهده پزشک نخواهد بود. ب) تعهد اصلی انجام نشده و شرط عرفی تعهد ایمنی نیز نقض گردیده. به طور مثال دکتر دندانپزشک به منظور کاشت پروتز ثابت (ایمپلنت) درصدد کشیدن دندان بیمار برمی‌آید. لیکن به جای دندان هدف، اقدام به کشیدن دندان سالم بیمار، در مجاورت آن

میان مبنای ارائه شده آنچه بیشتر مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد مبنای عرفی آن است که موضوع اصلی این نوشتار می‌باشد.

۱-۳. مفهوم تعهد ایمنی

چنانچه تعهد را در معنای عام کلمه «رابطه‌ای بین دو یا چند شخص برای انجام یا خودداری از انجام کار یا تسلیم مالی بدانیم» تعهد ایمنی نیز یکی از مصادیق همین تعهد در معنای کلی است، با این وصف که متعهد تعهد می‌نماید که با فعل یا ترک فعل خود آسیبی به تمامیت جسمی و سلامت و اموال دیگران دارد نسازد. در قراردادهای پزشکی مفهوم تعهد ایمنی در کنار تعهد اصلی معنی پیدا می‌کند و به عنوان شرط ضمن عقد اصلی سبب ایجاد تعهد و احیاناً مسئولیت قراردادی می‌گردد. در این‌گونه قراردادها علاوه بر انجام موضوع اصلی تعهد و قرارداد که می‌تواند انجام یک عمل جراحی توسط پزشک یا ترمیم دندان توسط دندانپزشک باشد. پزشک یا دندانپزشک یا بیمارستان و کلینیک طرف قرارداد متعهد است که دقت و نظارت و کنترل‌های لازم را بعمل آورد که مبادا در نتیجه نقض هر یک از تعهدات موردنظر، به طرف قرارداد و شخص ثالث، آسیبی برسد. این تعهد غیر از تعهد اصلی پزشک برای عمل جراحی است. در قرارداد اصلی هر نتیجه‌ای حاصل شود، موفقیت‌آمیز باشد یا نباشد، تعهد ایمنی او برای آسیب نرساندن به بیمار به قوت خود باقی است و در حوزه مستقلی مورد بررسی قرار می‌گیرد، که ممکن است نتیجه‌ای غیر از قرارداد اصلی درمان به بار آورد. ممکن است در یک قرارداد جراحی بیمار سلامت خود را بدست آورد، اما در نتیجه نقض تعهد ایمنی از سوی کادر درمان، آسیب جدیدی به یکی از ارگان‌های حیاتی دیگر او وارد شود، یا بالعکس قرارداد درمان نتیجه‌بخش نبوده اما تعهد ایمنی نیز نقض نشده باشد. به طور مثال اگر بیماری برای انجام عمل آب مروارید در کلینیک چشم‌پزشکی بستری گردد. تعهد اصلی کلینیک در قرارداد جراحی، انجام عمل چشم و بهبود وضعیت دید بیمار است. اما در کنار تعهد اصلی که محور اصلی قرارداد درمان است، چنانچه در نتیجه عدم رعایت موازین بهداشتی در محل

می‌نماید. بیمار نیز به علت بی‌حسی موضعی متوجه اشتباه او نمی‌شود. تعهد اصلی به دلیل بی‌مبالاتی دندانپزشک انجام نشده و تعهد ایمنی نیز نقض گردیده. در چنین وضعیتی بیمار نه تنها تعهدی به پرداخت دستمزد دندانپزشک ندارد بلکه می‌تواند خسارت وارده به خود را، به دلیل نقض تعهد ایمنی مطالبه کند، بدون اینکه لازم باشد تقصیر او را ثابت نماید. (ج)

۱-۲-۳. وضعیت مسؤلیت قهری و قراردادی پزشک در

نقض تعهد ایمنی

گاه پزشک حین درمان عضو ناسالم بیمار، سب ورود صدمه و آسیب به عضو سالم او می‌گردد. چنانچه اقدام پزشک برای درمان مبتنی بر قرارداد باشد و بتوان برای او در این بخش مسؤلیت قراردادی در نظر گرفت. در خصوص تعهد دیگر او که همان رعایت ایمنی برای اجتناب از ورود آسیب جدید به بیمار است، وضع به این روشنی نیست و ممکن است این شبهه ایجاد شود که طرفین قرارداد صرفاً به تعهد درمان پرداخته‌اند و تعهد ایمنی جایی در قرارداد آنان ندارد. به همین دلیل، وجود آن را باید در منابع دیگر نظیر مقررات قانونی یافت، تا مفاد قرارداد. بر این اساس مسؤلیت پزشک در بخش تعهد ایمنی مسؤلیتی قهری و خارج از قرارداد به حساب می‌آید.

در رد این شبهه و تأیید مسؤلیت قراردادی پزشک می‌توان گفت، هر چند وجود برخی شروط و تعهدات به ظاهر در قرارداد درک نمی‌شود و طرفین نیز ممکن است از وجود آن بی‌خبر باشند. اما همین شروط و تعهدات، به عنوان التزامی عرفی قرارداد، وارد قلمرو قرارداد شده و به عنوان شرط ضمنی عرفی، بخشی از مفاد قرارداد به حساب می‌آیند. چرا که این نوع شرط ضمنی شرط شایع و رایج نزد عرف است. به گونه‌ای که عرف میان آن و قرارداد تلازم می‌بیند و از آنجا که با ایجاد ملزوم لازم نیز به وجود می‌آید، در نتیجه با انشای قرارداد درمان، شرط ضمنی ایمنی نیز (به عنوان لازمه عرفی قرارداد) وجود می‌یابد (۱۱). همسو با همین ارتکاز عرفی قانونگذار در ماده ۲۲۰ ق.م.ت.م. متعاملین را ملزم به اجرای قواعد عرفی در کنار توافقات قراردادی و قوانین تکمیلی نموده. به همین دلیل، در مواردی که آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها

در مواردی تعهد اصلی که درمان بیمار است، انجام پذیرفته، اما تعهد عرفی ایمنی نقض گردیده. مانند اینکه بیماری جهت برداشتن قسمتی از روده بزرگ (کولکتومی) مورد عمل جراحی قرار می‌گیرد. عمل با موفقیت انجام می‌پذیرد، لیکن بعد از به هوش آمدن بیمار و انتقال به بخش، از ناحیه شکم احساس درد می‌کند. با تصویربرداری از شکم بیمار مشخص می‌شود سوزن مورد استفاده در زمان انجام عمل در شکم وی جا مانده. در این حالت نیز، پزشک در برابر بیمار مسؤلیت قراردادی برای نقض تعهد ایمنی از نوع تعهد به نتیجه دارد. (د)

در حالت دیگر تعهد اصلی پزشک رضایت‌بخش نبوده، اما شرط ضمنی تعهد ایمنی رعایت گردیده. مانند بیماری که به علت تحمل درد و مشکلات مربوط به راه رفتن ناشی از بیرون‌زدگی دیسک، مورد عمل جراحی قرار گرفته، اما پس از انجام عمل، مشکلات او همچنان به قوت خود باقی است. هر چند تعهد ایمنی رعایت گردیده. در این وضعیت چون تعهد پزشک برای درمان، تعهدی به وسیله است، او مسؤل عدم حصول نتیجه نیست مگر اینکه مرتکب تقصیر شده باشد.

۲-۳. قلمرو تعهد ایمنی

جولانگاه تعهد ایمنی عمدتاً حوزه قراردادهاست. بر همین اساس نیز مسائل مربوط به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه که مختص همین حوزه است مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. با این وجود تعهد ایمنی مختص روابط قراردادی نیست بلکه در زمینه وقایع حقوقی و ضمان قهری و مسؤلیت غیرقراردادی نیز می‌توان آن را مطرح و ضمان نقض آن را به افراد تحمیل کرد. چراکه حفظ ایمنی در حوزه خارج از قراردادها و وقایع حقوقی نیز امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بر این اساس می‌توان برای پزشک و فردی که هیچ‌گونه رابطه

آن هم در مواردی که توافقات مورد نظر بر خلاف قواعد آمره نباشد. علاوه بر این در مواردی که بیمار در بیمارستان توسط پزشک تحت درمان قرار می‌گیرد. دعوی بیمار علیه پزشک برای نقض تعهد ایمنی باید بر مبنای ضمان قهری اقامه شود تا قراردادی. چرا پزشک صرفاً مباشر درمان از سوی بیمارستان است و با بیمار رابطه قراردادی ندارد.

۳-۳. ماهیت تعهد ایمنی پزشک

نویسندگان حقوقی، در بخش مسئولیت قراردادی، تعهدات ناشی از عقود را، به دو دسته تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه تقسیم نموده‌اند. در تعهد به نتیجه متعهد انجام کار معینی را به عهده می‌گیرد. مانند اینکه معماری متعهد به ساختن خانه‌ای ظرف شش ماه می‌شود، در این مثال تعهد زمانی انجام‌یافته تلقی می‌شود که نتیجه مطلوب حاصل شود. لیکن در تعهد به وسیله متعهد وظیفه دارد کوشش کند تا وسیله رسیدن به هدف را فراهم آورد، بدون آنکه حصول نتیجه را به عهده گرفته باشد (۱۹). مانند تعهد وکیل دادگستری در برابر موکل.

در قراردادهای درمان منعقد شده میان پزشک و بیمار، پزشک متعهد است تمام دانش، مهارت و دقت خود را به کاربندد تا بیمار بهبود یابد. اما اگر نتیجه مطلوب حاصل نشد، مسئولیتی بر عهده او نیست، مگر اینکه مرتکب تقصیر شده باشد، این وضعیت عادلانه و منصفانه به نظر می‌رسد، چرا که از یک سو رابطه پزشک و بیمار، نه از نوع رقابتی و سوداگرانه، بلکه رابطه‌ای است عاطفی و انسان‌دوستانه. از سوی دیگر بهبود بیمار کاملاً متکی به دانش و مهارت پزشک نیست و عوامل متعددی نظیر نقص دانش و وسائل پزشکی و وضعیت خاص جسمی و روحی بیمار ممکن است مانع دستیابی به نتیجه مطلوب شود.

در خصوص تعهد پزشک مبنی بر رعایت موازین ایمنی برای جلوگیری از ورود آسیب و رنج جدید به بیمار که تعهدی است قراردادی و در پرتو قرارداد درمان بر عهده او نهاده شده، وضع به گونه دیگری است و تعهد او در این زمینه، تعهدی به نتیجه است. بدین معنی که صرف‌نظر از انجام یا عدم انجام تعهد درمان، چنانچه در نتیجه نقض تعهد ایمنی توسط پزشک یا

رعایت تعهد ایمنی را بر پزشک و بیمارستان تکلیف می‌نماید، مفاد آیین‌نامه و بخش‌نامه به عنوان شرط ضمنی قانونی وارد قلمرو قرارداد شده و به عنوان بخشی از قرارداد، نقض این مقررات نقض قرارداد محسوب و مسئولیت حاصله نیز مسئولیت قراردادی به حساب می‌آید. تا جایی که جهل متعاملین نسبت به قوانین تکمیلی مانع شکل‌گیری شرط ضمنی قانونی تعهد ایمنی در قرارداد درمان نمی‌شود آنگونه که در مورد قواعد عرفی است.

با قبول مسئولیت قراردادی پزشک برای نقض تعهد ایمنی عرفی، در مواردی، به دلیل وجود موقعیت اضطراری، اقدام طبیب برای درمان و شاید نجات جان بیمار مبتنی بر رابطه قراردادی نیست. در این صورت بحث از شرط ضمنی عرفی، به دلیل عدم وجود قرارداد منتفی است. مانند اقدام پزشک در مواردی که فوریت پزشکی اقتضا می‌کند، بدون فوت وقت به درمان بیمار بپردازد و مربوط به زمانی است که انجام عمل ضروری، برای حفظ زندگی یا سلامت بیمار مورد نیاز باشد و بیمار نتواند طرف مشاوره قرار گرفته و دستورالعمل لازم صادر کند (۱۷). در این مورد و مواردی که قرارداد به دلایلی باطل یا پایان یافته باشد، مسئولیت پزشک از نوع ضمان قهری مبتنی بر مقررات قانونی نظیر ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی می‌باشد. از آنجا که در نظام حقوقی ایران مبنای مسئولیت تقصیر است، مسئولیت پزشک نیز در مواردی که رابطه قراردادی وجود ندارد، در گرو اثبات تقصیر او به دلیل بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم مهارت اوست.

با وجود تفکیک مسؤلیت قهری و قراردادی پزشک از یکدیگر و مزایایی که استناد به مسؤلیت قراردادی، برای بیمار آسیب‌دیده از نقض تعهد ایمنی به همراه دارد، هیچ مانعی وجود ندارد که بیمار بتواند یکی از دو مبنایی که برای اثبات حق خویش دارد برگزیند. این امر با اراده قانونگذار و نظم عمومی منافات ندارد، زیرا وجود قرارداد نباید کسی را از تضمیناتی که قانون برای جلوگیری از صدمه‌زدن به دیگری اندیشیده است محروم سازد (۱۸). مگر در مواردی که انتخاب بر مبنای مسؤلیت قهری از سوی بیمار، سبب نادیده گرفته شدن توافقات قراردادی شود،

بیمارستان را به عنوان قاعده‌ای آمره بر روابط درمان منعقد بین بیمار و بیمارستان حاکم دانسته.

از دیگر منابع تعهد ایمنی می‌تواند قرارداد فی‌مابین و شروط ضمن آن باشد، اعم از شروط صریح یا ضمنی و بنایی. به گونه‌ای که طرفین درباره انضمام آن به عقد قبل از انعقاد قرارداد توافق می‌کنند سپس عقد با در نظر گرفتن آن شرط و بر مبنای آن منعقد می‌گردد (۲۰). در برخی قراردادهای یکی از طرفین به عنوان شرط بنایی متعهد می‌شود که ایمنی دیگری را حفظ کند به این معنی که بنای طرفین بر تأمین سلامت است، هرچند طرفین این تعهد را مسکوت گذارند (۲۱).

یکی دیگر از منابع تعهد ایمنی در روابط قراردادی من جمله قراردادهای پزشکی عرف و قواعد عرفی است. به گونه‌ای که اگر همه مبانی ارائه شده برای این امر را کنار بگذاریم و تنها به این مبنا بسنده نمائیم عرف و قواعد عرفی به تنهایی کافی برای ایجاد تعهد ایمنی و مسئولیت ناشی از نقض این تعهد است. تا جایی که محاکم می‌توانند حکم خود را صرفاً بر همین مبنا صادر نمایند. چرا که همانگونه که در مباحث قبلی گفته شد هر چند ممکن است با افزایش قوانین موضوعه از اهمیت عرف کاسته شده باشد، اما قانون نیز خالی از نقص نیست و ممکن است برای برخی مسائل راه‌حلی ارائه نداده باشد. در این صورت عرف به میدان آمده و نواقص قانون را پوشش می‌دهد. وانگهی قانون ثابت و صامت بوده و توان ارائه پاسخ برای مسائل نوظهور را نداشته. لذا عرف همچنان نقش مکمل خود را حفظ نموده. از سوی دیگر قوانین موجود در حقیقت شکل تبدیل شده قواعد عرفی جاری در جامعه بوده که قانونگذاران همان قواعد عرفی را در هیأت قانون، معرفی و در حقیقت به عرف‌های جاری ظاهری قانونی بخشیده‌اند. بنابراین می‌توان گفت بدون در نظر گرفتن سایر منابع تعهد ایمنی، عرف جاری میان مردم اقتضاء می‌نماید که پزشکی که اقدام به درمان بیمار می‌نماید متعهد است که در کنار تعهد اصلی که ممکن است به نتیجه مطلوب برسد یا نرسد به گونه‌ای عمل نماید که لااقل معضل جدیدی برای بیمار ایجاد ننماید. در غیر این صورت عرف او را مشمول نقض تعهد ایمنی دانسته و ملزم به جبران خسارت می‌نماید.

بیمارستان آسیبی به بیمار برسد، صرف وقوع این امر، کافی برای تحقق مسئولیت پزشک و بیمارستان خواهد بود و تنها قطع رابطه سببیت و انتساب صدمه و آسیب به قوه قاهره غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب باعث رفع مسئولیت خواهد شد، به نحوی که اثبات عدم تقصیر پزشک نیز مؤثر نخواهد بود. حفظ حیات و تمامیت جسمی انسان و لزوم جبران زیان وارده به اشخاص، اقتضا می‌نماید که وضعیت مسئولیت پزشک برای نقض تعهد ایمنی، متفاوت از تعهد درمان باشد، چرا که بیماری که با نیت دریافت بهبودی با پزشک و بیمارستان وارد قرارداد می‌شود، توقع ندارد متحمل رنج دیگری گردد. بنابراین هرگاه پزشک با تجویز دوز اضافه دارو باعث ایجاد صدمه به اعضای سالم بیمار شود، صرف ارتباط بین اقدام پزشک و آسیب وارده به بیمار کافی برای مسئولیت او خواهد بود. نهادن بار اثبات تقصیر پزشک برای نقض تعهد ایمنی به عهده بیمار در مسیر پرتلاطم، پیچیده و فنی دعوایی که طرف دیگر با زیر و بم مسائل علمی و تخصصی آن آشنایی کامل دارد، باعث خواهد شد که تلاش بیمار به نتیجه نرسد و زیان وارده به او جبران نشده باقی بماند.

۴-۳. منابع تعهد ایمنی

در این مبحث ابتدا به ذکر منابع شکل‌گیری تعهد ایمنی و التزام پزشک به رعایت آن می‌پردازیم، تا معلوم شود این تعهد متکی بر چه منابعی است و چگونه به عالم حقوق ورود پیدا کرده است. سپس در مباحث بعدی به تشریح مبانی شرط ضمنی عرفی که خود جلوه‌ای از قرارداد است و بحث اصلی مورد نظر در این مقاله است می‌پردازیم تا مشخص شود عرف و قواعد عرفی چگونه به شکل‌گیری تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی می‌انجامد و دلایل این امر چیست؟ یکی از منابع، خلق تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی می‌تواند قواعد امری قانونی باشد که قانونگذار بنابر مصالحی من جمله حفظ نظم اجتماعی آن را تدوین و بر روابط قراردادهای طرفین حکمفرما نموده. به مانند ماده ۱۵ آئین‌نامه نحوه تأسیس و بهره‌برداری بیمارستان‌ها که ایمنی ساختمان و وسایل

عرفی خلاء موجود را پوشش خواهد داد. بنابراین همپوشانی قواعد عرفی و قوانین تکمیلی در خصوص تعهد ایمنی، سبب اجتماع منابع در این باره شده به نحوی که هریک از این دو به عنوان شرط عرفی و قانونی وارد قلمرو قرارداد شده و بخشی از مفاد آن را تشکیل خواهند داد.

ارتباط میان عرف و قانون همواره به شکل تساوی و تأیید یکدیگر نیست. بلکه گاه بین قوانین تکمیلی و عرف در زمینه تعهد ایمنی، تعارض وجود دارد و این سوال مطرح می‌شود که حکم قانون مقدم است یا عرف؟ در این باره می‌توان گفت، هر چند در حوزه قراردادهای مالی نظیر بیع و اجاره حکم عرف به دلیل نزدیکی به اراده متعاملین بر قوانین تکمیلی مقدم است. لیکن در زمینه قراردادهای پزشکی خصوصاً تعهد ایمنی که سلامت اشخاص در گرو رعایت آن است، قوانین موضوعه در معنای عام بر قواعد عرفی مقدم خواهد بود. چرا که فرض بر آن است که قانونگذار با درک شرایط موجود و در راستای حفظ نظم اجتماعی اقدام به وضع قانون در زمینه ایمنی شهروندان نموده به نحوی که اراده او انعکاس‌دهنده وضعیت کنونی موجود جامعه است. به طور کلی در صورت همسویی قواعد عرفی و قوانین تکمیلی، تکلیفی برای ترجیح و انتخاب یکی از این دو به عنوان منبع تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی وجود ندارد چرا که تعدد منابع امری پذیرفته شده است و تنها فرض تعارض است که قوانین تکمیلی به دلیل مسائل مربوط به حفظ نظم عمومی بر قواعد عرفی حاکم است.

۴. مبانی عرفی تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی

با پذیرش عرف به عنوان یکی از منابع تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی و اینکه این نوع تعهد در قالب شرط ضمنی در همه قراردادهای پزشکی بخشی از مفاد قرارداد به شمار می‌رود. اینک به بیان دلایل عرفی بودن این نکته می‌پردازیم، تا با کمک گرفتن از حقوق موضوعه مشخص نمائیم عرف چگونه به خلق تعهد ایمنی در این قراردادها می‌پردازد.

مواد ۲۲۰، ۳۵۶، ۳۴۴، ۲۲۵، ۳۷۵ و ۳۸۲، ۴۸۶ قانون مدنی همگی مؤید نقش عرف در ایجاد تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی است. با وجود نص صریح این مواد و مواد دیگری از همین قانون، تردیدی در اعتبار عرفی تعهد ایمنی باقی نمی‌ماند.

۱-۴-۳. اجتماع منابع تعهد ایمنی

گاه منابع متعدد قانونی، قراردادی و عرفی یکجا و همسو با هم سبب ایجاد تعهد می‌گردند. اجتماع اسباب در این وضعیت امری طبیعی و پذیرفته شده است. تعهد ایمنی پزشک و کادر پزشکی و بیمارستان نیز ممکن است در آن واحد مستند به هر سه منبع ذکر شده باشد. بنابراین چنانچه طرفین قرارداد درمان، تعهد پزشک به رعایت ایمنی را پیش‌بینی نمایند، قانون و عرف همین تعهد را بر عهده او می‌نهد.

حفظ جان و سلامت اشخاص همواره از اولویت‌های قانونگذاری در جوامع مختلف می‌باشد. برای دستیابی به این مهم، اداره‌کنندگان سلامت با انجام اعمال کارشناسی، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی در این زمینه صادر نموده‌اند. مانند «آیین‌نامه نحوه تأسیس و بهره‌برداری بیمارستان‌ها» مصوب ۸۳/۱۲/۲۴ و دستورالعمل «ضوابط بهداشتی و تسهیلات لازم در مطب» مورخ ۸۲/۸/۱۲ و «اساسنامه سازمان انتقال خون ایران و استانداردهای اعتباربخشی بیمارستان» مورخ ۶۳/۳/۲ مصوب مجلس شورای اسلامی و سایر مقرراتی که عمده مفاد آنها مربوط به رعایت مسائل ایمنی است. هر چند قوانین و آیین‌نامه‌های مورد اشاره در اغلب موارد ترجمان همین عرف‌های جاری میان مردم است، لیکن با وضع قوانین، نوعی انسجام و یکپارچی شکل گرفته که قواعد عرفی از آن بی‌بهره است و قاضی و مقامات اجرایی به جای بررسی عرف‌های پراکنده و اطمینان از تشکیل قاعده عرفی که موضوعی طولانی و زمان‌بر است. با مراجعه به متن قوانین تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد نمود. با این وجود عرف همچنان به عنوان یکی از منابع حقوق قراردادهای من جمله قراردادهای پزشکی، به حیات حقوقی خود ادامه می‌دهد و اغلب با قوانین موضوعه در زمینه تعهد ایمنی، همسو و دارای رویکردی مشترک است. از سوی دیگر گاه مقررات قانونی در زمینه تعهد ایمنی راه‌حل خاصی پیش‌بینی نموده در این حالت قواعد

۴-۱. مبنای عرفی مبتنی بر ماده ۲۲۰ قانون مدنی (مقتضای اطلاق عقد)

ماده ۲۲۰ ق.م.م مقرر می‌دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشد» در این ماده قانونگذار صراحتاً عرف را موجب حق و تکلیف در روابط قراردادی دانسته و قواعد عرفی را در کنار اراده صریح یا ضمنی متعاملین از منابع حقوق قراردادی معرفی نموده است. برخی ماده ۲۲۰ را جلوه‌ای از اراده طرفین دانسته‌اند (۸). لیکن به نظر می‌رسد همانگونه که در تعریف شرط ضمنی گفته شد التفات و توجه طرفین در اثربخشی عرف، مؤثر در مقام نبوده و همانگونه که از لحن بیان قانونگذار برمی‌آید عرف در عرض اراده طرفین می‌تواند ایجاد تعهد نماید. حتی اگر طرفین به مفاد آن توجهی نداشته باشند یا حتی از اصل وجود عرف بی‌اطلاع باشند.

در خصوص نقش‌آفرینی عرف بر اساس ماده ۲۲۰ ق.م.م می‌توان گفت مقتضای عقود به دو دسته مقتضای ذات و مقتضای اطلاق عقد تقسیم می‌شود. مقصود از مقتضای ذات عقد، جوهر اصلی و اساس عقد است که بر آن قائم بوده و هرگاه از عقد گرفته شود دیگر موضوعی باقی نمی‌ماند تا آثار و احکامی بر آن مترتب شود. بر این اساس وجود و قوام و دوام عقد مبتنی بر مقتضای ذات آن است. مانند انتقال مالکیت عینی در عقد بیع به خریدار و انتقال منافع به مستأجر در اجاره اموال و انجام عمل جراحی در قرارداد جراحی بین پزشک و بیمار که هرگاه به دلایلی انجام آن مقدور نباشد، مقتضای ذات عقد دچار خدشه و اساس قرارداد زیر سؤال خواهد رفت. اما در کنار مقتضای ذات عقد مقتضای اطلاق عقد وجود دارد که عبارت است از «پاره‌ای از آثار و تعهدات فرعی که بدون وجود آنها عقد طبیعت وجودی خود را از دست نمی‌دهد، لیکن مکمل عقد بوده به گونه‌ای که هرگاه عقد به طور مطلق و بدون تصریح آنان منعقد گردد، خود به خود آن امور را اقتضا می‌نماید، هرچند طرفین می‌توانند برخلاف آن توافق نمایند.» مانند حکم ماده

۲۸۱ ق.م.م که مقرر می‌دارد «مخارج تعهد به عهده مدیون است مگر اینکه شرط خلاف شده باشد» حال که مقتضای ذات و اطلاق عقد از یکدیگر بازشناخته شد. سؤالی که درخصوص مقتضای اطلاق عقد مطرح می‌شود آن است که آیا عرف می‌تواند در تعیین مقتضای اطلاق عقد و تکمیل تعهدات قراردادی از جمله قراردادهای پزشکی که تعهد ایمنی می‌تواند از مصادیق این اطلاقات باشد مؤثر واقع شود و در خلق تعهد ایمنی در این نوع قراردادها به ایفاء نقش بپردازد؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش مثبت باشد و اساساً ماده ۲۲۰ ق.م.م عرف را در کنار مقررات قانون از منابع تعیین مقتضای عقود اعم از معین و نامعین دانسته. در حقیقت کاهش و افزایش مقتضای عقود در حیطه اختیارات متعاقدین نیست. ایشان تنها به انشاء عقد و آنچه صراحتاً در عقد پیش‌بینی می‌نماید می‌پردازند. سایر تعهدات مورد انتظار بر مبنای عوامل بیرون از اراده متعاملین شکل می‌گیرد. یکی از مهمترین این عوامل عرف و عادت جاری میان مردم است، که اغلب آنها نیز مورد تأیید شارع قرار گرفته و تحت عنوان احکام امضایی بخش عمده‌ای از قواعد معاملاتی مردم را تنظیم می‌نمایند. تا جایی که در حقوق اسلامی نیز برخی احکام با موضوعات عرفی تطبیق داده شده و برای تشخیص آنها به عرف مراجعه می‌شود و آنچه امروزه تحت عنوان معاملات میان مردم جاری است خود اموری اعتباری هستند که شارع بدون آنکه دست به تأسیس زده باشد همان امور عرفی را مورد تأیید قرار داده است. ماده ۲۲۴ ق.م.م اشعار می‌دارد: «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه» که خود نشانگر عرفی بودن معاملات و امضایی بودن این امور است. بر این اساس برای تعیین مقتضیات و لوازم عقود، می‌بایست به عرف مراجعه کرد. ماده ۲۲۰ قانون مدنی، قوانین موضوعه را در کنار عرف از عوامل مکمل مقتضای اطلاق عقود دانسته. با وجود اینکه در نگاه اول این دو متفاوت از هم می‌باشند لیکن با بررسی بیشتر درخواهیم یافت که قوانین مصوب مجالس قانونگذاری نیز در حقیقت منشأ عرفی دارند و قانونگذار با درک شکل‌گیری عرف در حوزه جغرافیایی خاص یا روابط معین قراردادی یا تجارت خاص آن را به شکل قانون مصوب

ماده ۳۵۶ ق.م که عرف و عادت را حاکم بر قرارداد دانسته، حتی اگر طرفین آن را اراده نکرده باشند و حتی اگر بدان جاهل باشند، تردیدی در اعتبار عرف به عنوان یک منبع مستقل حقوق قراردادهای در کنار قانون و اراده طرفین باقی نمی‌ماند به گونه‌ای که می‌توان ماده ۲۲۰ ق.م را جلوه‌ای دیگر از اعتباربخشی عرف توسط قانونگذار دانست بدون آنکه لازم باشد آن را به اراده صریح یا ضمنی متعاقبین ربط داد.

اما سؤالی که حول محور ماده ۳۵۶ ق.م مطرح می‌شود آن است که آیا ماده مذکور را باید تنها نسبت به تابع جاری دانست و وجود عرف و عادت در مواردی غیر از بیع و موضوع آن (مبیع و توابع و اجزاء آن) نمی‌تواند طرفین را به مفاد آن ملزم سازد. یا نه این ماده در حقیقت مصداقی از حکم مندرج در ماده ۲۲۰ قانون مدنی است که اولاً در غیر از بیع و اجزاء و توابع آن می‌تواند مؤثر واقع شود. ثانیاً همانگونه که گفته شد علم و جهل متعاملین به وجود عرف و کم‌وکیف آن تأثیری در اثربخشی آن ندارد؟ در پاسخ باید گفت که این ماده در فقه امامیه نیز پیشینه‌ای روشن دارد که از همین سابقه معلوم می‌شود، ویژه توابع مبیع نیست، بلکه مصداقی از یک قاعده کلی است (۹) که می‌تواند در سایر مصادیق شرط ضمنی عرفی نظیر تعهد ایمنی در قراردادهای مؤثر واقع شود و به دلیل همگانی بودن عرف موردنظر، علم و جهل متعاملین تأثیری در حاکمیت آن بر رابطه قراردادی ندارد.

در خصوص مفهوم تابع در ماده ۳۵۶ ق.م باید گفت که تابع از سنخ شرط ضمن عقد دانسته شده و شرط ضمن عقد خود عبارت است از اینکه یک امر حقوقی فرعی با عقدی مرتبط شود، به نحوی که وجود اصلی از آن عقد و وجود شرط به تبع وجود آن باشد. بر این اساس اگرچه وجود و تحقق شرط وابسته به وجود و تحقق عقد اصلی است ولی عکس آن صادق نیست. در هر حال تابع نوعی شرط ضمن عقد است که به تبع مورد اصلی قرارداد به آن ضمیمه می‌شود. پس از پذیرش شرط ضمن عقد بودن تابع و اینکه تابع به تبع مورد اصلی قرارداد مطلوب طرفین واقع می‌شود، به طوری که اگر مورد اصلی وجود نداشته باشد، تابع هم وجود نخواهد یافت. باید

درآورده و منتشر می‌نماید. این قانون‌سازی عرف باعث اهمیت نقش آن (عرف) در تعیین مقتضی اطلاق عقود گردیده. در قراردادهای پزشکی که بین پزشک و بیمار منعقد می‌گردد. چه بتوان آن را عقدی از عقود شناخته شده نامید و چه عقدی غیرمعین باشد. عرف در شکل‌گیری مقتضی اطلاق آن و تکمیل موارد غیرمصرحه نقش بسزایی را ایفاء می‌نماید، آنگونه که در سایر قراردادهای است. بنابراین چنانچه قراردادی بین پزشک و بیمار برای پیوند عضو منعقد گردد، محور اصلی قرارداد، پیوند عضو جدید به بیمار است و این امر به عنوان مقتضی ذات قرارداد باید از سوی پزشک انجام پذیرد، در غیر این صورت قرارداد بدون موضوع و نافرجام خواهد بود. اما در کنار این امر، امور جانبی دیگری به عنوان مقتضی اطلاق قرارداد، بر روابط طرفین حکمفرما خواهد بود، که نمونه بارز آن تعهد ایمنی و رعایت موازین بهداشتی از سوی پزشک است، او را موظف می‌نماید به گونه‌ای عمل نکند که درد جدیدی بر آلام بیمار اضافه شود. این انتظار عرفی از پزشک به عنوان مقتضی اطلاق قرارداد بر رابطه قراردادی حکمفرما خواهد بود. به گونه‌ای که نقض آن به مثابه نقض مفاد صریح قرارداد، سبب ایجاد مسئولیت خواهد بود.

۴-۲. مبنای عرفی مبتنی بر ماده ۳۵۶ ق.م (دلالت التزامی)

ماده ۳۵۶ ق.م مقرر می‌دارد: «هر چیزی که برحسب عرف و عادت جز یا از توابع مبیع شمرده شود یا قرائن دلالت بر دخول آن در مبیع نماید، داخل در مبیع و متعلق به مشتری است، اگرچه در عقد صریحاً ذکر نشده باشد و اگرچه متعاملین جاهل بر عرف باشند» قبل از پرداختن به نقش عرف در ایجاد تعهدات قراردادی آنگونه که در ماده ۳۵۶ آمده، باید متذکر شد که براساس ظاهر برخی مواد قانون مدنی نظیر مواد ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۹۵ و فحوی برخی مواد دیگر مربوط به عقود و قراردادهای اینگونه تصور می‌شود که عاملی غیر از اراده طرفین قرارداد نمی‌تواند آنها را ملزم سازد. بر این اساس حکم ماده ۳۵۶ را باید خلاف قاعده دانست که صرفاً در عقد بیع و توابع و لوازم آن جاری است. اما با اعلام صریح قانونگذار در

سلامت او را به مخاطره نیندازد؟ طرح این پرسش و پاسخ مثبت بدان، باعث ایجاد تعهد ایمنی پزشک در برابر بیمار می‌گردد. به نحوی که نقض آن سبب ایجاد مسئولیت قراردادی پزشک است.

از تعریف شرط ضمنی و نمونه‌هایی که برای آن آورده شد چنین استنباط می‌شود که مبنای ایجاد علاقه و وابستگی شرط ضمنی با مفاد عقد، یکی از سه عامل عقل و بدهت، قانون و عرف و عادت قراردادی است، که عامل سوم موردنظر و توجه ما خواهد بود. بر این اساس گاهی ملازمه میان شرط ضمنی و عقد، ناشی از عرف و عادت قراردادی است. یعنی مفاد شرط چنان در قرارداد تکرار می‌شود و به گونه‌ای شیاع پیدا می‌کند که می‌توان آن را از لوازم معامله برشمرد. قاعده عرفی در این حالت همانند قانون مکمل قرارداد است و بر دو طرف تحمیل می‌شود (۹).

به طور کلی شرط ضمنی عرفی مدلول التزامی عرفی قرارداد است. در نتیجه به دنبال انشای قرارداد آن نیز انشاء می‌شود. چراکه شرط ضمنی عرفی شرط شایع و رایج نزد مردم است. به گونه‌ای که عرف میان آن و قرارداد تلازم می‌بیند و از آنجا که با ایجاد ملزوم لازم نیز وجود می‌یابد، با انشای قرارداد، شرط ضمنی نیز به عنوان لازمه عرفی قرارداد وجود می‌یابد (۱۱).

۳-۴. شرط ضمنی عرفی مبتنی بر ماده ۳۴۴ قانون مدنی

ماده ۳۴۴ ق.م.مقرر می‌دارد: «اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تأدیه قیمت موعودی معین نگشته باشد، بیع قطعی و ثمن حال محسوب است، مگر اینکه بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجاری، وجود شرط یا موعودی معهود باشد، اگرچه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد» مطابق این ماده نمی‌توان به ظاهر قرارداد اکتفا کرد و از آن حقوق و تعهدات طرفین را معین کرد. چه بسا قراردادی به ظاهر مطلق باشد اما با کمک گرفتن از معیار عرفی بتوان چندین شرط و تعهد از آن استخراج کرد، بیشتر از آنچه در قرارداد ذکر شده است. برخی مشاغل و حرف

گفت اصطلاح شرط ضمنی که تابع نیز جلوه‌ای از آن می‌باشد برای اموری به کار می‌رود که مدلول التزامی الفاظ قرارداد است، یعنی به حکم عقل یا قانون یا عرف، لازمه مفاد توافق یا طبیعت قرارداد است. برای مثال در مواردی که شخصی تعهد به امری می‌کند می‌گویند به طور ضمنی متعهد به فراهم کردن مقدمات آن نیز می‌باشد. بنابراین قرارداد مربوط به تعهد به انتقال رسمی ملک حاوی این شرط ضمنی است که متعهد مالیات ملک را بپردازد و در دفتر اسناد رسمی حضور یابد و دفاتر را امضاء کند (۹).

شرط ضمنی وسیله تفسیر و تکمیل قرارداد است اما انگیزه‌های دیگر مانند اجرای عدالت و انصاف و رعایت حسن‌نیت و نظم عمومی به نوبه خود راهگشا است و باعث می‌شود اموری به قرارداد تحمیل شود که هیچ‌گاه از خاطر آنها نگذشته است. در این رهگذر طبیعت نوع عقد و معانی عرفی الفاظ و وجدان انسانی معقول و متعارف جانشین دریافت‌های خصوصی می‌شود و به شرط ضمنی چهره نوعی و کلی می‌بخشد. این رویه باعث می‌شود که گاه تعهدی زیر عنوان شرط ضمنی بر طرف قرارداد تحمیل شود. چراکه مدلول التزامی مفاد عقد برای آنان الزام‌آور است هرچند از آن مطلع نباشند (۹).

در هرجا که به شرط ضمنی استناد می‌شود. در واقع پاسخ لازم به پرسش‌هایی که در ذهن متبادر می‌شود داده شده است. به طور مثال در عقد بیع این سؤال مطرح می‌شود که آیا دو عوض باید معادل عرفی هم باشند؟ آیا هرجا این تعادل برهم بخورد در حقیقت توافق ضمنی طرفین دچار اشکال شده به نحوی که طرف مغبون بتواند از خیار غبن استفاده نماید؟ آیا متصدی حمل و نقل تعهد ضمنی می‌کند که کالا را سالم به مقصد برساند؟ و صدها نمونه از مصادیق شرط ضمنی عرفی قراردادها که پاسخ مثبت به هریک از این پرسش‌ها باعث شکل‌گیری تعهدات قراردادی برای یک طرف یا هر دو طرف قرارداد و مکمل قرارداد می‌شود. تعهد ایمنی نیز مصادیقی از همین شرط ضمنی عرفی است و این سؤال مطرح می‌شود که پزشکی که قرار است بر روی بیمار عمل جراحی انجام دهد، آیا به طور ضمنی مبتنی بر معیارهای عرفی، متعهد است به گونه‌ای رفتار نماید که به بیمار آسیب جدیدی وارد نسازد و

در روابط او با بیمار می‌توان تصور کرد. تلاش برای انجام یکسری تکالیف و خودداری از انجام اموری که سبب آسیب‌رساندن به بیمار می‌شود و سلامت او را به مخاطره می‌افکند کمتر توقعی است که از پزشک در روابط او با بیمار می‌رود. اینکه پزشک در انجام امور قراردادی، براساس معیارهای موجود در این رابطه و رعایت ضوابط و نظام‌نامه‌های پزشکی در جهت بدست آمدن نتیجه مطلوب موردنظر در قرارداد تلاش می‌نماید یک امری طبیعی به نظر می‌رسد. لیکن انجام تعهد ایمنی جهت جلوگیری از آسیب رساندن به بیمار، تعهدی است جداگانه و مستقل از تعهد اصلی که در درجه اول، ریشه در عرف دارد و به عنوان شرط ضمن عقد بر رابطه پزشک و بیمار حکمفرما خواهد بود، به گونه‌ای که نقض آن صرف‌نظر از اینکه نتیجه موردنظر در قرارداد اصلی بدست آمده یا خیر سبب ایجاد مسئولیت پزشک خواهد شد. آیا می‌توان در نقض تعهد ایمنی و مسئولیت دندانپزشکی که وسایل موجود در مطب را استریلیزه نکرده و باعث سرایت بیماری لاعلاج به بیمار دیگر شده تردید کرد؟ آیا ضدعفونی کردن وسایل موجود در مطب امری کاملاً متعارف و مورد انتظار جامعه نمی‌باشد که نقض آن باعث ایجاد مسئولیت برای دندانپزشک گردد؟ واضح است که این انتظار عرفی می‌تواند مبنای تعهد ایمنی برای پزشک و دندانپزشک باشد و ایشان را مسئول نقص این تعهد بدانند. وفق ماده ۲۲۵ ق.م.ر رعایت لوازم عرفی قرارداد نیز برای متعاملین نیز اجباری است هرچند که در قرارداد به آن تصریح نشده باشد در این صورت می‌توان گفت که طرفین به آن توافق ضمنی نموده‌اند.

۴-۵. مبانی عرفی مبتنی بر مواد ۳۷۵ و ۳۸۲ و ۴۸۶ ق.م.

ماده ۳۷۵ ق.م.مقرر می‌دارد «مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده است مگر اینکه عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگر باشد یا در ضمن بیع محل مخصوصی برای تسلیم معین شده باشد» و ماده ۳۸۲ اشعار می‌دارد «هرگاه عرف و عادت از باب مخارج معامله یا محل تسلیم، برخلاف تربیتی باشد که ذکر شده یا در عقد برخلاف

و تعدادی از تجارت‌ها را آنچنان قواعد عرفی مخصوص آن حرفه و تجارت احاطه کرده است که گویی توافق طرفین در اصل قرارداد کافی می‌باشد و این قواعد پیش‌بینی طرفین را پوشش خواهد داد. قراردادهای پزشکی و روابط بین پزشک و بیمار از آن دسته رابطه‌ها است که تحت سیطره عرف خاص است، به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از حقوق و تعهدات طرفین از همین عرف‌ها نشأت می‌گیرد. نمونه بارز آن تعهد ایمنی است که کمتر کسی در وجود این تعهد، تردیدی به خود راه می‌دهد. هرچند ماده ۳۴۴ ق.م. به عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجاری اشاره داشته، اما این اعلام قانونگذار از باب نمونه است و سیطره عرف هم در روابط تجاری و دادوستدهای بازرگانی امری طبیعی است و هم در روابط پزشک و بیمار.

۴-۴. شرط ضمنی عرفی مبتنی بر ماده ۲۲۵ ق.م.

ماده ۲۲۵ ق.م.مقرر می‌دارد: «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است» این ماده گویی براساس قاعده فقهی معروف نزد اهل سنت وضع گردیده که می‌گوید: «المعروف عرفاً کالمشروط شرطاً» به نحوی که متعارف بودن امری در عرف و عادت همسنگ و هم‌تراز با مفاد صریح قرارداد، در خلق آثار قراردادی و هدایت قرارداد از وضعیت مطلق به مشروط و معهود مؤثر واقع می‌شود. در واقع تکمیل قرارداد گاه به نحو صریح از سوی طرفین قرارداد قبل یا به هنگام انعقاد عقد صورت می‌پذیرد و گاه به طور ضمنی به کمک عوامل عرفی و رایج در زمان و مکان عقد، حتی اگر آنان از وجود عرف و کم‌وکیف آن مطلع نباشند. به دلیل وجود همین عوامل مکمل که مهمترین آنها قواعد عرفی و قوانین تکمیلی است، کافی است طرفین قرارداد درخصوص مسائل اصلی قرارداد توافق کنند و مابقی را به حال خود واگذارند تا همین عناصر مکمل، سکوت طرفین را جبران نمایند.

یکی از مصادیق شروط ضمنی عرفی موردنظر ماده ۲۲۵ ق.م. می‌تواند تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی باشد به گونه‌ای که یک باور و اطمینان قطعی، در وجود این تعهد برای پزشک

نموده و مسئول جبران خسارت وارده به بیمار می‌باشند، مسئولیتی از نوع مسئولیت عینی و بدون تقصیر که فقط انتساب آن به عامل خارجی یا قوه قهریه رافع مسئولیت آنان می‌باشد. اما اینکه عرف چگونه و از چه مجرای به خلق آثار قراردادی نظیر تعهد ایمنی می‌انجامد سؤال است که در این نوشتار تلاش شده تا بدان پاسخ داده شود. با این توضیح که قانونگذار براساس مواد ۲۲۰ و ۳۵۶ و ۲۲۵ قانون مدنی و مواد دیگری از این قانون درصدد اثربخشی به عرف در ردیف مفاد صریح قرارداد می‌باشد. اما این اثربخشی گاه به دلالت التزامی است به نحوی که شرط ضمنی که تابع نیز از مصادیق آن می‌باشد، برای اموری به کار می‌رود که مدلول التزامی الفاظ قرارداد است. یعنی به حکم عرف و عقل یا قانون لازمه مفاد قرارداد است. بنابراین تعهد ایمنی که خود از مصادیق شرط ضمنی عرفی است، جلوه‌ایست از همین لوازم، و طرف‌های قرارداد با بیمار را موظف به رعایت آن می‌نماید. گاه عرف جواز ورود به قراردادهای افراد من جمله قرارداد درمان را بر اساس مقتضای اطلاق قرارداد بدست می‌آورد. بدین صورت که اگرچه تعهد ایمنی و مسولیت ناشی از نقض آن در قرارداد ذکر نشده، اما مقتضای اطلاق قرارداد ایجاب می‌نماید که وجود این تعهد در روابط طرفین لحاظ شود و نقض آن همانند نقض مفاد صریح قرارداد سبب ایجاد مسئولیت گردد.

مشارکت نویسندگان

شهاب جمشیدی مقدم: بررسی متون و منابع، تحلیل مطالب، ارائه پلان و نگارش متن
سید مصطفی محقق داماد: ارائه ایده، تحلیل مطالب، ارائه اطلاعات و ویرایش نهایی مقاله
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

آن شرط شده باشد، باید بر طبق متعارف یا مشروط در عقد رفتار شود» و نیز ماده ۴۸۶ قانون مدنی اعلام می‌دارد «تعهدات و کلیه مخارجی که در عین مستأجره برای امکان انتفاع از آن لازم است بر عهده مالک است مگر آنکه شرط خلاف شده یا عرف بلد برخلاف آن جاری باشد همچنین است آلات و ادواتی که برای امکان انتفاع از عین مستأجره لازم می‌باشد» در این مواد قانونگذار در مقام اعتباربخشی به شرط ضمنی عرفی به عنوان بخشی از مفاد قراردادهای خصوصی بوده و آنچه مقتضای اطلاق عقد در خصوص محل تسلیم مبیع و مخارج معامله و هزینه‌ها و تعمیرات است به کمک قواعد عرفی تکمیل شده و در کنار پیش‌بینی صریح متعاقدين، بر قواعد تکمیلی مقرر از سوی قانونگذار مقدم می‌باشد. به نحوی که بعد از اداره صریح یا ضمنی طرفین قرارداد، قواعد عرفی از نوع عرف همگانی جایگزین سکوت و عدم پیش‌بینی طرفین شده، و در عرض اراده اعلام شده بر روابط قراردادی حکمفرما خواهد بود، بدون آنکه لازم باشد امور عرفی به اراده طرفین مرتبط شود. در حقیقت آنچه مدنظر قانونگذار در مواد ۳۷۵ و ۳۸۲ و ۴۸۶ ق.م. می‌باشد اعتباربخشی به عرف به عنوان یکی از منابع حقوق و تعهدات قراردادی است تا ذکر نمونه‌هایی از تعهدات قراردادی در عقد بیع و اجاره. لذا در قراردادهای دیگر نظیر قراردادهای پزشکی و در نمونه‌های دیگر از تعهدات قراردادی، نظیر تعهد ایمنی عرف می‌تواند مؤثر واقع شود.

نتیجه‌گیری

اگر عرف را قاعده‌ای بدانیم که بتدریج و خودبه‌خود میان همه یا گروهی از مردم به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور به وجود آمده است. تبلور آن گاه در قالب شرط ضمن عقد است که از آن به شرط ضمنی تعبیر نموده‌اند. یکی از این شروط و الزامات که هیچ‌گونه تردیدی در اعتبار آن وجود ندارد تعهد ایمنی در قراردادهای پزشکی است. با این وصف که طرفین قرارداد با بیمار اعم از پزشک و دندانپزشک و بیمارستان باید به گونه‌ای ایمن رفتار نمایند که در نتیجه اقدام آنان درد و رنج و آسیب جدیدی به بیمار نرسد. در غیر این صورت تعهد ایمنی را نقض

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

References

1. Jabari Golbaghie Masuleh SA. Introduction to the custom. 1st ed. Tehran: book garden institution; 1998. P. 21, 25. [Persian].
2. Jafari Langrudi MJ. Legal terminology. 33th ed. Tehran: Treasure of knowledge publications; 2021. P.446. [Persian].
3. Moein M. Moeins Persian dictionary. 12th ed. Tehran: Amirkabir publications; 1998. P. 2291. [Persian].
4. Aghaei B. Legal dictionary. 2nd ed. Tehran: Treasure of knowledge publications; 2003. P. 367. [Persian].
5. Campbell BH. Blacks law dictionary. 5th ed. London: West publishing; 1983. P. 202.
6. Heydarian M. Fundamental of law. Tehran: High school of law and literatureand forign language publications; 1968. P. 23. [Persian].
7. Katuzian N. Introduction to law. 77th ed. Tehran: Join stock company publications; 2011. P. 178. [Persian].
8. Shahid M. Principles of contracts and obligations. 6th ed. Tehran: Majd publications; 2014. P. 300. [Persian].
9. Katuzian N. General principles of contracts. 4th ed. Tehran: Joint stock company publications; 2004. P. 122, 131, 130, 135. [Persian].
10. Safaey SH. General rules of contract. 10th ed. Tehran: Mizan publications; 2010. P. 185. [Persian].
11. Simaey Saraf H. Implied terms. 1st ed. Tehran: Book garden institution; 2001. P. 34-35, 113. [Persian].
12. Mohagheghe Damad SM. General theory of condition. 5th ed. Tehran: Center of Islamic sciences publication; 2019. P. 283. [Persian].
13. Yazdanian AR, Saghafi M, Jalali A. Natur of care duty. Journal of comparative law research. 2017;21(3):1-36. [Persian].
14. Jafari Langrudi MJ. Law of obligations. 5th ed. Tehran: Treasure of knowledge publication; 2019. [Persian].
15. Khedmat Gozar M. Pbligation of safety in contracts. 1st ed. Tehran: Jungle publications; 2010. P. 1. [Persian].
16. Katuzian N. Extra contractual obligation. Tehran: Tehran university publications; 2012. P. 161. [Persian].
17. Abbasi M. Collection of medical law articales. Tehran: Legal publications; 2000. P. 60. [Persian].
18. Katuzian N. Extra Contractual obligation. Tehran: Tehran University Publications; 2013. P. 123.
19. Katuzian N. Civil law (general Theory of obligations). Tehran: Mizan publications; 2012. P. 54. [Persian].
20. Shahidi M. Terms of contract. Tehran: Scientific and cultural assossation of majd; 2015. P. 41. [Persian].
21. Nasiri M. Civil responsibility of swimming learners. Journal of legal views. 2010;16(49):127-40. [Persian].